



واشنگتنن با اصطلاح جدیدی دست و پنجه نرم می‌کنند. اصطلاحی که تهدیدی قدیمی را شرح می‌دهد؛ «قدرت زیر‌کانه». این عبارت توسط Christopher Walker و Jessica Ludwig از بنیاد موقوفه ملی برای دموکراسی [NED] خلق شد و به جنگ اطلاعاتی حکومت‌ها با کار گرفته شده توسط قدرت‌های اقتدارگرا بویژه چین و روسیه اطلاق می‌شود. در دهه گذشته پکن و مسکو دهها میلیارد دلار برای شکل‌دهی به ادراک و رفتار عمومی در دنیا هزینه کردند. آنها از ابزارهای قدیمی و جدید استفاده کردند تا از عدم تقارن آزادی میان سیستم‌های محدود خود و جوامع آزاد بهره‌برداری کنند. تأثیرات این اقدامات، جهانی است اما در آمریکا، تمرکز نگارنی‌ها بر دخالت روسیه در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ و تلاش چینی‌ها برای کنترل موضوعات حساس مورد بحث در کلاس‌های درس، انتشارات و فیلم‌ها و آمریکایی بوده و هست. در گزارش بنیاد موقوفه ملی برای دموکراسی [NED] به قلم Christopher Walker و Jessica Ludwig آمده است: «توسعه

و پالایش قدرت زیر‌کانه چین و روسیه باید مورد توجه سیاست‌سازان در آمریکا و دیگر دموکراسی‌ها قرار گیرد و آنها باید درباره ابزارهای واکنشی همیشگی، بازبینی کنند». این دو کارشناس قدرت زیر‌کانه‌ای را که در محیط سیاسی و اطلاعاتی کشورهای هدف رخنه کرده است، با قدرت نرمی که افسوس فرهنگ و ارزش را در خدمت قدرت کشور به کار می‌گیرد، مقایسه می‌کنند. کارشناسان NED توضیح می‌دهند دموکراسی‌ها نه‌تنها باید خود را علیه نفوذ بدخیم اقتدارگرایان فعال کنند، بلکه باید موضعی قاطع در جهت حمایت از اصول خود داشته باشند. امروز چالش ایجاد شده توسط جنگ اطلاعاتی چین و روسیه واقعی است. در این رویارویی، حکومت‌ها و جوامع دموکراتیک باید از هر گونه اغوا

سیاسی و اهداف انتخاباتی سابقه طولانی دارد. آمریکا و شوروی هر دو در ایام جنگ سرد از این روش‌ها استفاده می‌کردند. حکومت‌های اقتدارگر برای مدت‌های طولانی تلاش کردند از اخبار جعلی برای کاهش جذابیت دموکراسی استفاده کنند. در دهه ۸۰ میلادی سرویس جاسوسی شوروی شایع‌های را منتشر کرد مبنی بر اینکه ویروس AIDS محصول آزمایش‌های دولت آمریکا روی تسلیحات بیولوژیک است. این شایعه از طریق ارسال نل‌های بدون نام به روزنامه کوچک دهلی‌نو آغاز و سپس در سطح جهان تکرار شد و گسترش یافت. سال ۲۰۱۶ نسخه بروزشده‌ای با همان تکنیک مشابه برای ایجاد شایع‌های علیه مدیر کارزار انتخاباتی هیلاری کلینتون استفاده شد. آنچه جدیداً تغییر کرده، مدل اولیه نیست، بلکه سرعتی است که چنین اطلاعاتی می‌تواند گسترش یابد و هزینه کمی برای توزیع خبر پرداخت شود. الکترون‌ها از ران‌تر، سریع‌تر و ایمن‌تر هستند و به نسبت جاسوس‌ها براحتی می‌توان آنها را تکذیب کرد. سرویس جاسوسی امروز روسیه به همراه ارتش ترول‌ها و بات‌های خود، در کنار رسانه‌هایی همچون راشاتودی و اسپوتنیک بعد از هک ایمیل‌های کمیته ملی دموکرات‌ها و دسترسی به اطلاعات مقام‌های کارزار انتخاباتی کلینتون، توانست مدت‌ها چرخه اخبار را قطع کند یا به انحراف بکشاند. اگر قدرت زیر‌کانه روسیه، روند دموکراتیک غربی را مختل و برند کشورهای دموکراتیک را الکه‌دار کرد اما نتوانست قدرت نرم خود را افزایش دهد و گاهی عکس آن روی داد. روسیه می‌تواند این هزینه را پذیرا باشد. چنین اهداف دیگری دارد و این اهداف به اندازه قدرت زیر‌کانه قهری سانسور به قدرت نرم نیازمند است. ترکیب این دو هدف مشکل است. برای مثال در استرالیا، نباید چین در افکار عمومی تا قبل از افشای استفاده این کشور از قدرت زیر‌کانه و دخالت در امور سیاسی استرالیا در حال رشد بود اما این تأیید عمومی به طور چشمگیری کاهش یافت. David Shambaugh از دانشگاه جرج واشنگتن می‌گوید چین روی هم رفته سالانه ۱۰ میلیارد دلار برای تقویت ابزارهای قدرت نرم خود هزینه می‌کند اما از این سرمایه‌گذاری، حداقل درآمد را کسب می‌کند. چین در رتبه‌بندی قدرت نرم در دنیا، رتبه ۲۵ و روسیه رتبه ۲۶ را به خود اختصاص داده است.

■ **معضل دموکرات‌ها**

قدرت زیر‌کانه و قدرت نرم در روش‌های متفاوتی به کار گرفته می‌شوند و تشخیص تمایز میان آنها سخت و به همین خاطر پاسخ به قدرت زیر‌کانه دشوار است. انتخاب نحوه شکل‌دهی به اطلاعات هم در مسیر اقتاع مهم است. تنها زمانی که نوع شکل‌دهی به اطلاعات بر فریب سایه افکند (که انتخابات‌های داوطلبانه را محدود می‌کند) می‌توان گفت به مرز اجبار نزدیک شده‌ایم.

-
-
-

نگاهی به نیروی نظامی متحدالشکل رضاشاه

چرا ارتش نتوانست در برابر متفقین بایستد؟

فرستاده شدند. «سال ۱۳۰۹ ارتش ایران بیش از ۱۰۰ هزار نفر برآورد می‌شد که حدود ۲۰ هزار نفر زاندارم و بقیه افراد نیروهای عادی بودند». رضاخان برای ساختن ارتشی بزرگ، از منابع قدرت بخوبی استفاده کرد و بودجه کلانی نیز به آن اختصاص داد که «در آغاز بودجه آن از محل مالیات‌ها و در آمد خالص‌های تأمین می‌شد و به طور



متوسط حدود ثلث کل بودجه کشور را تشکیل می‌داد.» با تکمیل فرآیند تأسیس ارتش مدرن، رضاشاه توانست یکی از اهداف و آرزوهای بزرگ خود و بسیاری از کسانی که سودای ارتشی بومی جهت مقابله با دشمنان را داشتند، تحقق ببخشد اما بزودی مشخص شد این نهاد تنها در راستای افزایش قدرت شاه و متمرکز کردن آن است نه نیرویی جهت حفاظت از تمامیت ارضی و مرزی کشور.

■ **اهداف رضاشاه از تشکیل ارتش و موارد به‌کارگیری آن**

بررسی اجمالی و تاریخی دوران رضاشاه بخوبی بیانگر آن است که وی از ارتش به عنوان ابزاری برای ساخت و تکمیل قدرت مطلقه خود استفاده کرد. بدین ترتیب، ارتش به بهانه‌های مختلف جهت سرکوب بسیاری از نیروهای داخلی مخالف به کار رفت، از جمله

نوشته‌ای از ژوزف نای* ، نظریه‌پرداز مشهور جنگ نرم

قدرت زیرکانه در برابر قدرت نرم

همین ظرفیت آزادی و فریب عمدی] است که قدرت

نرم را از قدرت زیرکانه تفکیک می‌کند و متأسفانه کشف آن همیشه ساده نیست. در دیپلماسی عمومی وقتی به راشاتودی روسیه و شین‌هوای چین اجازه فعالیت آزاد در دیگر کشورها داده می‌شود، قدرت نرم، به کار گرفته شده است و این شبیه‌ها باید پذیرفته شوند، حتی اگر بیامی که می‌دهند، ناخوشایند باشد. وقتی رادیو بین‌المللی چین، پنهانی از برخی ایستگاه‌های رادیویی در دیگر کشورها حمایت می‌کند، وارد حیطه قدرت زیر‌کانه شده‌ایم که باید فاش شود. بدون افشاگری مناسب، اصالت اراده نقض شد است. این تمایز] شامل حال دیپلماسی آمریکا هم می‌شود؛ در جریان جنگ سرد، تأمین مالی مخفیانه احزاب ضد کمونیسم در انتخابات ۱۹۴۸ ایتالیا و حمایت مخفیانه سیا آمریکا از کنگره برای آزادی فرهنگی مثال‌هایی از

قدرت زیر‌کانه هستند و نه قدرت نرم. محیط اطلاعاتی امروز پیچیدگی‌های دیگری را معرفی می‌کند. دهه ۶۰ میلادی Edward R. Murrow یادآور می‌شود که از اقتدارگرایان بخش ارتباطات بین‌الملل ده‌ها هزار کیلومتر کابل الکترونیکی نیست، بلکه چند متر نهایی این ارتباط مهم است». اما این موضوع در رسانه‌های اجتماعی به چه معنی است؟ «دوستان» با ما تنها یک کلیک فاصله دارند و ایجاد دوستان جعلی آسان است؛ این دوستان جعلی می‌توانند اخبار جعلی تولید شده توسط ترول‌های اجیر شده و بات‌ها را بازنشر کنند. تشخیص خط تمایز میان قدرت زیر‌کانه آنلاین و قدرت نرم آنلاین، نه‌تنها برای حکومت‌ها و مطبوعات، بلکه برای بخش خصوصی هم امری مهم شده است. همچنان که دموکراسی‌ها به قدرت زیر‌کانه واکنش نشان می‌دهند، باید مراقب باشند تا به پیش‌نهاد حامیان مقابله با قدرت زیر‌کانه در مدل اقتدارگرا، بیش از حد لازم اقدام نکنند، چرا که قدرت نرم خود را تقلیل می‌دهند. بخش زیادی از این قدرت نرم از جوامع مدنی آرد مورد وا‌شنگتن؛ هالیوود، دانشگاه‌ها و بنیادهای بیشتر از تلاش‌های دیپلماسی عمومی رسمی تأثیرگذار هستند] حاصل می‌شود و قطع دسترسی یا پایان بخشیدن به آزادی، این داری‌های بارز را هدر می‌دهد. کشورهای اقتدارگرا مانند چین و روسیه، دقیقاً به دلیل عدم تمایل به آزاد کردن استعدادهای جوامع مدنی، در تولید قدرت نرم خود مشکل دارند. علاوه بر این، تعطیل کردن ابزارهای مشروع قدرت نرم روسیه و چین می‌تواند غیرسازنده باشد. همانند هر مدلی از قدرت، قدرت نرم اغلب برای اهداف رفتنی با حاصل جمع صفر به کار گرفته می‌شود اما همچنین می‌تواند تأثیراتی با حاصل جمع مثبت داشته باشد. برای مثال اگر چین و آمریکا به خودداری از درگیری ببنیدیشند، برنامه‌های تبادلی که توجه آمریکا به چین او بالکس] را بیشتر می‌کند، می‌تواند برای هر دو کشور مفید باشد.

■ **استاد برجسته دانشگاه هاروارد منبع:فان‌ارن‌افرز ترجمه:اندیشکده تبیین**

■ **اندیشکده تبیین**

از دخالت حکومت و ارتش مصون نماندند. «طبقه اشرافیت دیوایی و زمینداران تا قبل از کودتای ۱۲۹۹ مهم‌ترین عنصر طبقه حاکمه بوده و قدرت اجرایی را در دست داشتند». اما با روی کار آمدن رضاشاه موقعیت بسیاری از زمینداران بر اساس برخی قوانین

مصوب از جمله قانون ثبت اسناد و املاک، تغییر کرد و نفوذ حکومت بر امور آنها مشخص شد. به عنوان مثال، مطابق یکی از این قوانین، «مالکیت املاک براساس قانون جدید ثبت املاک در دفاتر ثبت می‌شد و قبایله داشت، از این رو در عمل، شاه و ارتش می‌توانستند املاک کشاورزان و غیرکشاورزی را تصاحب کنند یا به زور با قیمت اسمی به خرید آنها بپردازند» و ضمن تصاحب آن، قدرت زمینداران را نیز کاهش دهند. بدین ترتیب نه‌تنها این دو گروه، بلکه بسیاری از جنبش‌ها و گروه‌های سیاسی مخالف حکومت همچون گروه‌های مذهبی و جنبش‌هایی چون واقعه مسجد گوهر شاد نیز توسط ارتش و به دستور شخص رضاشاه سرکوب شدند. از این‌رو ارتشی که قرار بود با هدف حفظ کشور و نیز در مسیر مدرنیزاسیون تأسیس شود نه‌تنها در راستای حفظ کشور از گزند دشمنان به کار نرفت، بلکه حتی نتوانست باعث بقای قدرت شخص شاه شود، زیرا همان‌طور که اشاره شد اولاً این نهاد جهت ساخت و تکمیل قدرت مطلقه به کار گرفته شد و در نتیجه آن، بسیاری از نیروهای داخلی سرکوب شدند.

در ثانی، اقدام سردار سپه در درست کردن نیروهای نظامی، اقدامی تقلیدی و شتابزده بود که منافع سیاسی کشورهایی چون انگلیس را به دنبال داشت؛ درواقع «انگلیسی‌ها سخت با این برنامه همراه بودند، زیرا با انقلاب اکبر و پیدایی این قدرت سیاسی تازه در همسایگی ایران، نیروی نظامی یکدست به سود انگلیس بود.» در نهایت نیز فرجام کار پهلوی اول بخوبی صحت این ادعاها را مشخص کرد. بعد از حمله ارتش متفقین به ایران در شهریور ۱۳۲۰، ارتش بعد از اندکی مقاومت، فروپاشید و ارتشی که با بودجه‌های کلان شاکله‌ای ظاهراً مدرن یافته بود، نه‌تنها در مقابل دشمنان کاری از پیش نبرد، بلکه به حفظ قدرت رضاشاه نیز کمکی نکرد.

■ **منبع: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران**

روزنه

تأکید بر فهم عقلانی دین

در قرآن و احادیث

آنچه در تعالیم و احادیث بر آن تأکید شده است، «تفقه در دین» است. تفقه در دین یعنی فهم جامع دین به شکل مجموعی. فهم هم باید جامع و با ابعاد باشد و هم محتوای دین، مجموعی و تعقلی و استقلالی درک شود. فهم ناقص یا فهم تبعی یا فهم کامل بخش‌هایی از دین (اگر فهم کامل بخشی یا بخش‌هایی از دین جدا از دیگر بخش‌ها تصور داشته باشد)، تفقه در دین نیست. تفقه، صورتی تعمیق‌یافته و جهت‌دار از تعقل است؛ تعقل دین، به طور مسلم برای تفقه در دین و تعقل درباره دین، راه‌هایی هست، و به طور حتم راه صحیح یکی بیش نیست. راه صحیح، فراگیری دین و حقایق دین از قرآن و اهل قرآن است.

از اینجا به این موضوع مهم می‌رسیم که در بساب معارف و عقاید، تمسک به اخبار و احادیث، خود اصلی است بنیادین و مبتنی بر ملاک اصلی تعقل (حجت باطنه)، و در این مقام، به هیچ روی جای ذکر اصطلاح «اخباری» نیست. اصطلاح «اخباری»، در برابر «صولی» و «مجتهد»، مربوط است به قلمرو علم فقه و اخبار احکام فرعی که محل اجتهاد و اعمال نظر و اظهار رأی و فتواست. در معارف اعتقادی، اجتهاد به آن معنا که در «اصول فقه» می‌گوییم، جای ندارد. ما مجموعه‌ای «قواعد فقهی» و «قواعد اصولی» داریم که در مرحله «اجتهاد» درباره احکام، آن قواعد را اعمال می‌کنیم تا به حکمی از احکام شرعی (که بر ما معلوم یا مسلم نیست) دست یابیم، مثلاً «قاعده بد»، «قاعده لاضرر»، «قاعده اساله اللزوم»، «قاعده ما یضمن بصحیحه بفاسده» و امثال آنها در فقه، و مانند اصول عملیه (اصل برائت، استحباب و…) در علم اصول. اخباریان این قواعد را نمی‌پذیرند و به طور عمده به ظاهر اخبار، بدون اعمال قواعد تمسک می‌کنند. به سخن دیگر، اخباریان در استنباط احکام فرعی، کتاب و سنت را حجت می‌دانند، با حذف عقل و اجماع و دیگر قواعدی که یاد شد و روشن است این موضوع کلاً مربوط به قلمرو اجتهاد و احکام فرعی است، نه اصول عقاید. در اصول عقاید نمی‌توان گفت کسی اجتهاد کند و هر چه به نظرش رسید به همان معتقد شود و دیگری هم از او تقلید کنند. چنین چیزی نیست.

در آیات و اخبار معارف (شناختی) و عقاید (ایمانی) باید تحقیق و تفقه کرد. اجتهاد به معنای معروف آن، مسا در فقه ۲ گونه احکام داریم: «حکام واقعی» و «احکام ظاهری» که هر جا به حکم و واقعی دسترسی نداشته باشیم، از طریق اجتهاد و اعمال قواعد به حکم ظاهری می‌رسیم، لیکن در عقاید چنین نیست که ۲ گونه عقاید داشته باشیم، واقعی و ظاهری، و اگر به عقاید واقعی نرسیدیم، اجتهاد کنیم و عقاید ظاهری را به دست آوریم و بدانها معتقد باشیم. در عقاید باید به عقاید واقعی (واقعی‌الامری) برسیم و آنها را که واقعیانند عقیده خویش قرار دهیم تا شناخت ما از خدای متعال و صفات او، وحی و نبوت و وصایت و ولایت و انسان و سرنوشت و معاد، همه مطابق واقع و نفس‌الامر باشد.

■ **اجتهاد در عقاید و معنای آن**

البته این اجتهاد در عقاید و تشخیص مستقل و غیرتبعی که برای هر کس لازم و بر انسان واجب است، برای هر فردی به اندازه استعداد و قدرت درک او است. یعنی هر شخصی به اندازه استعداد او توان خوش باید درباره حقایق اعتقادی تحقیق کند و آنها را از روی تشخیصی مستقل بپذیرد و در آنها تقلید نکند. لیکن این چگونگی چنانکه معلوم است غیر از اجتهاد اصولی در احکام است.

و آنچه در اخبار درباره جواز اجتهاد رسیده است (عقلا و شرعاً) منحصر به همان مورد احکام است، بنابراین «اخباری» به کسانی می‌گویند که اجتهاد در احکام را منکر باشند. پس هر کس در معارف، مخالف النطاق باشد اخباری نیست. ما ده‌ها مجتهد اصولی بزرگ داشته‌ایم که با مبانی فلسفی و عرفانی مخالف بوده‌اند، مانند علامه حلی و میرزای قمی و شیخ انصاری و آیت‌الله‌العظمی بروجردی. باید توجه داشته باشیم که بسیاری از قواعد فقهی (قواعد مصطاده) و اصول عملیه نیز از اخبار گرفته شده است، و اصول آل‌الرسول(ص) نیز بر اساس اخبار تدوین یافته است. و بزرگان و اصحاب «مکتب تفکیک» همه، اهل علم اصول و اجتهاد بوده و هستند. میرزای‌اصفهانی خود میرزترین شاگرد میرزای‌نائینی بوده است، و دوره‌هایی، «خارج اصول» تدریس کرده است، همین‌گونه سیدموسی زرابادی که از تألیفات ایشان است تقریرات فقه و اصول، تعلیقه بر بخشی از «رسال»، «حاشیه بر جلد اول و دوم کفایه‌الاصول»، و همین‌گونه شیخ مجتبی قزوینی و شیخ هاشم قزوینی و …

■ **منبع:محمدرضاحکیمی/مقام عقل**